

در وقت دعا مانند بت پرستان وردهای بی معنی را تکرار نکنید آنان گمان می کنند با تکرار زیاد دعایشان مستجاب می شود. پس مثل ایشان نباشید زیرا پدر شما احتیاجات شما را پیش از آن که از او بخواهید می داند. پس اینطور دعا کنید: "ای پدر آسمانی ما مقدس باد نام تو ملکوت تو بیاید اراده تو همانطور که در آسمان است در زمین نیز پابرجاست نان کفاف امروز ما را به ما بده و خطاهای ما را ببخش همانطور که ما نیز خطاهای دیگران را می بخشیم ما را در وسوسه میاور بلکه ما را از شریر رهایی ده زیرا ملکوت و قوت و جلال تا ابد از آن توست " آمین

فردوسی یکی از مشهورترین شاعران فارسی در تمام زمان است. علاقه بزرگ او فرهنگ فارسی و دوباره احیا کردن آن بود و این مسئله برایش مشکلاتی رو به همراه میآورد. بنابراین او مثل شاعران و متفکران قبل از خودش به دانش بخصوصی فکر می کرد تا بتواند با حاکم اسلامی آن زمان هم کنار بیاید. این ساده به نظر می رسد آدم می بایست می رفت خانه پادشاه و برای او کار می کرد و شعرهای مدحی در وصف او می گفت و باید به او گوش می کرد. فردوسی اینطور توانست موفق به انجام این کار بشود او شاهنامه را بر گرفته از یک داستان کلی فارسی و به دور از تأثیر اسلام نوشت. مثل فردوسی که آن کار رو توانست با شاه محمود انجام بده آدم می تواند این کار رو در نظر بگیرد. به این معنی نیست که آدم چی می داند و چی را می شناسد. آدم امروز می گه: مثلاً ویتامین ب کی معنی اون را می داند (یعنی ویتامین رابطه) رابطه او با شاه محمود برایش نفوذ آورد و کی می داند شاید با رابطه داشتن این کارهای بزرگ رو بشود انجام داد. شاگردهای عیسی هم قبلاً راجع به ویتامین ب می دانستند. آنها می توانستند مد نظر بگیرند که چطور عیسی دائماً و بصورت قلبی با پدرش صحبت می کند. بجز آن آنها می توانستند همیشه ببینند که عیسی خیلی خوب با دعا کردن می توانست این ارتباط را بوجود بیاورد بنابراین آن دریا می بایست به حرف عیسی گوش می کرد! شاید شاگردها فکر می کردند یک سیم رسانا بین او و خدا هست به طوری که آنها نمی توانستند ببینند. شاید آنها می توانستند خودشان را در ارتباط تنگاتنگ با عیسی نگه دارند. آیا برای این کار یک فرمول مذهبی یا چیزی وجود دارد بطوری که مثل عیسی قدرت خدایی داشته باشند. زمان های مشابه این قضیه برای آنها مشخص بود که آنها به تنهایی نمی توانستند به این قدرت دسترسی داشته باشند و آن را نگه دارند و این ایده هیچ وقت برای آنها بوجود نیامد که بتوانند در مقابل عیسی قرار بگیرند و یا مثل او بشوند. شاید آدم بتواند مثل فردوسی قوانین سلطنتی رو رعایت کند با این حال ما بالاخره به خدا اعتقاد داریم و به سوی او می رویم؟ شاید شاگردان عیسی هم همین فکر رو می کردند. آنها تقریباً با کنجکاوی می خواستند در مورد عیسی بدانند آدم باید چیکار کند تا با گوش دادن به خدا بتواند موفق بشود؟ در این زمان یک چیزی بوده که آنها انجام دادن آنها روزه گرفتن و اموال خود را به فقرا دادن. آنها شاید یکبار دیگر و برای همیشه روی آن راه حرکت می کردند تا احکام خدا به درستی تحقق یابد یا تقریباً اینطور بشود و آنچه عیسی از آنها خواسته بود به انجام برسد. قطعاً چیزی غیر از آنچه آنها انتظار داشتند می توانستند انجام بدهند. در جملات کوتاه عیسی به آنها گفته بود که خدا را نمی توانید در یک غالب کلی نشان بدهید نه با کلمات و نه با بسیاری دعاها مثل نماز چون خدا به هر حال که به نظر می رسد در قلب آدمها یکی است. حرفهای مثل یک چاقو در قلب بودند. وای بر من چون خدا می تواند دست من را به آسانی بخواند و از دل من با خبر هست. وای بر من اگر تمام رفتار و اعمال من در نظر مردم خوب است به سادگی برای خدا روی میز است و از نیت این کارها خبر دارد. این اعمال از نظر قلبی مهم هستند نه چیز دیگر. من هیچ وقت با تلاش خودم نمی توانم آدم خوبی باشم چون خدا این نیکی رو برای من به ارمان میآورد. اون از دست می رود خیلی ساده دسترسی به آسمان از دست می رود و درهای آسمان بسته می شود من آیا توان فراموش کردنش رو دارم؟ زمانی که عیسی از دست رفته انسانی رو می داند بدون وقفه می آید به سمت ما و می گوید دعا کنید و دعای " پدر آسمانی " را برگزار کنید. این دعا برای شاگردانش در آن زمان خیلی شگفت آور بود و برای ما هم امروزه همین طور است. و ما باید خیلی ساده و با خلوص نیت این دعا را انجام بدیم حتی می توانیم اشتباه بخوانیم ولی باید دعا کنیم. ما باید مستقیماً با خدا در ارتباط باشیم مثل ارتباط فرزند با پدر که او را صدا می زند. تا به امروز کل مسیحیت همینطور دعا می کردند و ما نباید این دعا کردن رو در یکشنبه ها در منزل و زمانهای بیماری و حتی مرگ فراموش کنیم. اجتماع ما برای ما این دعا رو می کند و ادم میتواند برسد: که چطور مسیحیت و کلیسا و تو و من می توانیم مستقیماً با خدا حرف بزنیم؟ اصلاً خدا باید با زندگی زمینی ما و مرگ ما کار داشته باشه؟ این کافی نیست که در قران می گه: خدا همه کارها رو انجام می دهد و هیچ پسری ندارد؟ آدم در اینجا می فهمه که چرا انسان و خدا دو قطب هستند و کاملاً به هم متعلق نیستند. دلیل های مختلفی هست که خدا می بایست پیش ما باشد. گناهکاران روی زمین هستند زمینی که من روش زندگی می کنم آنها مخالف این هستند که خدا بزرگ است هر اتفاق خوب و عشق از اوست و این را هم رد می کنند که ما انسانها خیلی کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم در یک جمله با خدا یکی بشویم. خدا به من می گه پیام و یکی از خانوادش بشوم و این باعث یک نقطه عطف در زندگی من می ش که به همین ترتیب دعا صدق می کند. در این قضیه عیسی بعد از دعای ژدر آسمانی ما رو به آسمان هدایت می کند. لوتر حرف خوبی در این باره گفته:

"خدا به خودی خود مقدس هست ولی با این دعا نام او پیش ما مقدس می شود و کلامش می آید و ما خواهش می کنیم با این دعا او به سمت ما بیاید."

این دعا که عیسی به ما یاد داد آیا در آیندهن پوچ و واهی می شود؟ نه وقتی عیسی ما را به اینطور دعا کردن تشویق می کند منظورش یک ملکوت خدایی دور نیست بلکه ما اجازه داریم اینجا او را صدا کنیم تا او به سمت ما بیاید. در واقع ملکوت خدا و قدرتش با ما مردم گناهکار قابل مقایسه نیست ما اجازه نداریم به هیچ وجه نزدیک به خدا و قدرتش بشویم باید مثل موسی در بیابان از خجالت صورت خود را پنهان کنیم. ولی همه چی از طریق دعای پدر آسمانی فرق می کند. ملکوت خدا در بین ماست ما اجازه داریم برای آن دعا کنیم و خدا شخصا به سمت ما میاید! نه که خدا به آسانی آدم های گناهکار رو اصلاح کنه نه! و نه اینکه او در برخی راه ها تقدس کمتری قرار داده! این هم نه که ما مردم یکباره خداشناس خواهیم بود! در ترازو چیز دیگری قرار می گیرد که ما از آن دعا یاد می گیریم! خود عیسی به تنهایی با صدای بلند آمدن ملکوت خدا را وعده می دهد. ملکوت او در میان ماست او درباره جهان قبلی خجالت زده نیست و همچنین درباره اینکه در میان گناهکاران بخورد و زندگی کند. و ترس ندارد که روی صلیب تمام گناهان ما را به دوش بکشد چون همه چیز همین طور است: اول ما اجازه داریم دعا کنیم که ملکوت خدا در میان ماست. اگر ما اینطور دعا کنیم چه بسا ما اجازه داریم بدونیم که ملکوت خدا آماده است و از طریق مرگ روی صلیب پادشاهی او در میان ماست. از طریق تافن ارتباط من با عیسی برقرار می شود و روح القدس در من جاری می شود. من می دانم دعا همیشه آن طور که به نظر می رسد آسان نیست گاهی دعا مثل یک کوه بلند است که نمی توان از آن بالا رفت. سؤال شاگرد عیسی: چطور دعا کردن رو خداوندا به ما یاد بده " برای عیسی ضعف انسانی یک عامل بازدارنده است او می داند که او دقیقا برای چنین افرادی آمده است بنابراین او به شاگردانش در جواب گفت: دعای پدر آسمانی را بخوانند.

چون عیسی گفته همان هم خواهد شد... آمین